

## شناخت شخصیت مجرمانه و راه های درمان آن

فرخ هدایی - مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه:

امروزه شناخت شخصیت مجرمانه، نقش به سزایی در محاکمات قضائی دارد. چه اینکه قاضی کیفری برخلاف قاضی مدنی ( حقوقی ) لازم است از خصوصیات متهم اطلاع کافی داشته باشد تا بتواند در کنار پرونده ی جنایی به بررسی پرونده ی شخصیت بپردازد و حکم متناسب صادر نماید. هر چند که ضرورت این شناخت مدت ها قبل تشخیص داده شده، ولی متأسفانه در کشور ما این ضرورت کم رنگ است. به هر حال ما در این تحقیق به طور مختصر به بررسی این عنوان پرداخته و در پایان در مورد راه های درمان آن را با استفاده از علوم دیگر بحث نموده ایم.

### قسمت اول: کلیات

#### فصل اول: جایگاه شخصیت مجرمانه

از آنجا که جرم شناسی علمی نمی توانست به مسائل اجتماعی و فردی ناشی از عملکرد نظام کیفری بی توجه باشد، لذا به این سمت گرایش یافت که طرز کار نظام کیفری، فردی کردن مطلوب واکنش اجتماعی علیه جرم را به اجراء گذارد و بدین منظور به جرم شناسی بالینی متوسل شد. <sup>(۱)</sup> جرم شناسی بالینی به مفهوم مضیق آن عبارت است از مطالعه ی چند شاخه ای حالت فردی شخص مجرم تا با این مطالعه بتوان از جرایم آینده پیش گیری کرد <sup>(۲)</sup> در جرم شناسی بالینی یا درمانگاهی مجرم از نقطه نظر پزشکی و روانی مورد مطالعه قرار می گیرد و مطالعات این رشته از جرم شناسی برای شناخت علت جرم و تحقیقات اجتماعی برای تشخیص تأثیر عوامل نفوذ بخش و درمان ها و معالجات لازم برای مرحله ی دادرسی و ارائه اطلاعات نتایج حاصل به قاضی به منظور اتخاذ تصمیم مقتضی درباره ی متهم و نتیجتاً برای دفاع از اجتماع و پیش گیری از وقوع جرم انجام می شود. <sup>(۳)</sup>

جرم شناسی بالینی هم درمانگاه جرم شناسی و هم تحقیقات بالینی را در بر می گیرد. در مانگاه جرم شناسی عمدتاً عملگرا بوده، و مبتنی بر کیفیت گفتگویی است که متخصص بالینی با مجرم انجام می دهد. و تحقیقات بالینی از نظر کیفیت در سطح بالایی صورت می گیرد. ولی باید گفت این دو به ساخت یک مدل که درمانگاه جرم شناسی به عنوان ابزار کار، از آن استفاده خواهد کرد گام بر میدارند. <sup>(۴)</sup> پس جایگاه شخصیت مجرمانه را باید در حوزه ی کاری جرم شناسی بالینی جستجو کرد.

#### فصل دوم: اهداف شناخت شخصیت مجرمانه

برای شناخت اهداف شخصیت مجرمانه نیز باید اهداف مجرمانه بالینی را بررسی نماییم.

هدف جرم شناسی بالینی در درجه ی نخست، ارزیابی بزه کار مورد مطالعه از جهات مختلف از جمله آگاهی از تشخیص حالت خطرناک و قابلیت انطباق اجتماعی، پیش بینی رفتار و اعمال فرد در آینده، قدرت سازگاری او، برنامه ریزی به منظور اندازه گیری های احتمالی مقدرات برای دور کردن بزه کار از تکرار جرم است. در جریان برگزاری یک گردهمایی بین المللی در سال ۱۹۵۸ در رم، اصول جرم شناسی بالینی توسط «دی تولیو» جرم شناس ایتالیایی بیان شده است:

(۱) مطالعه روی فرد بزه کار و رفتار او از کلیه ی جنبه ها، با استفاده از یک معاینه پزشکی روان شناختی و اجتماعی که ماهیتاً چند بعدی است.

۲) ارزیابی شخصیت بزه کار و حالت خطرناک او.

۳) به فرمول درآوردن احتمالی برنامه اصلاح و درمان که باید در مورد وی اجراء شود .

۴) دنبال کردن اجرای برنامه اصلاح و درمان و کنترل نتایج آن.

ملاحظه می شود که جرم شناسی بالینی، به شیوه ی پزشکی سازمان دهی شده است و در چهار راه علوم واقع شده، دارای جنبه های فنی - تخصصی است که به لحاظ اجرای عملی آن ها مفهوم پیدا کرده ، مستمراً از جمع به فرد و از فرد به جمع می رود. هم با مفاهیم علمی مانند ( شخصیت ) کار می کند و هم با مفاهیمی که بیان گر داروهای ارزشی و حکمی است ( حالت خطرناک) و بالاخره دارای یک هدف اخلاقی مستقل است <sup>(۵)</sup> همچنین شناخت شخصیت بزه کار برای قاضی دارای اهمیت مخصوص است. لذا قاضی بایستی آگاهی کامل به اصول روان شناسی و انگیزه های ارتکاب جرم و عوامل عاطفی و هوشی و کرداری مجرم طبق موازین علمی داشته باشد و آگاهی به موارد فوق، اثرات عمیق در تصمیم گیری او دارد. به عبارت دیگر آشنایی قاضی به عوامل سازنده ی شخصیت برای او در تشخیص علت وقوع جرایم و صدور حکم شایسته برای پیش گیری و معالجه، راهنمای خوبی است.

### فصل سوم: تعریف کلی شخصیت

«گوردن آلپورت» <sup>(۶)</sup> روان شناس امریکایی در سال ۱۹۳۷، قریب به ۵۰ معنی برای شخصیت یافته بود و تعریف خود او چنین است: «شخصیت سازمان اداری زنده، انفعالی و با تحرک روان و تن آدمی است که موجب سازگاری او با محیط می شود.» <sup>(۷)</sup>

دکتر طریقتی معتقد است: «شخصیت عبارت است از تمامیت یک موجود واحد انسانی و مجموعه ی تفکیک ناپذیر آن چنان خصائص بدنی و نفسانی که شناخته دوستان نزدیک شخص است.» <sup>(۸)</sup> دکتر نوربها معتقدند که تمامیت جسمی و روانی فرد شخصیت وی را تشکیل می دهد. مقصود از تمامیت تکامل نیست بلکه منظور آن است که فرد پس از عبور از دوران بلوغ و رسیدن به سن تکلیف اجتماعی که عرف نیز به آن صحنه می گذارد به حد کافی از رشد جسمی و روانی رسیده و به عنوان شخصی دارای جایگاه اجتماعی معین شده است ، به عبارت دیگر می تواند دارای مسؤولیت اخلاقی در ارتباط با دیگران بشود. <sup>(۹)</sup>

### قسمت دوم: تعریف شخصیت مجرمانه و خصوصیات آن

#### فصل اول: تعریف شخصیت مجرمانه و سالم:

#### بخش اول: تعریف شخصیت مجرمانه:

وقتی وصف مجرمانه به شخصیت اضافه می شود، شخصیت مجرمانه به یک نوع و نمونه انسان شناختی و ثابت مانند مجرم مادرزادی لمبروزو - باز نمی گردد . مفهوم شخصیت ، از یک سو، تفاوت ماهوی میان بزه کار و غیر بزه کار را می پذیرد و از سوی دیگر به این موضوع توجه دارد که شخصیت انسان، پویا و تا حدودی متحول است . ارکان و عناصر شخصیت مجرمانه، مستمر و دائمی اند؛ لیکن بنابر عقیده نویسندگان مختلف آنچه در شخصیت مجرمانه در نوسان و تغییر است، موقعیت آن ها است. <sup>(۱۰)</sup>

مدل شخصیت مجرمانه که ژان پیناتل، جرم شناس فرانسوی، تدوین کرده است بر اساس مدارک جمع آوری شده بین سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ درباره ی مطالعات بالینی لمبروزو بوده است. او معتقد است در مورد مجرمین، یک هسته ی

مرکزی شخصیت وجود دارد که تفاوت آن با افراد غیر بزه کار، در درجه ی وجوه مختلف آن است. وجوه چنین شخصیتی را می توان به اشکال زیر دید:

- ۱) خود محوری
- ۲) عدم استقرار
- ۳) حالت تهاجمی
- ۴) بی تفاوتی عاطفی<sup>(۱۱)</sup>

به نظر می رسد برای شخصیت مجرمانه نمی توان تعریف خاصی را عنوان کرد و نمی توان گفت جنایتکار، نمونه انسان مخصوصی است؛ چون جنایتکار هم بر حسب ادعای عده ای، انسانی است مثل سایر انسان ها و تبه کاری به طور کلی پدیده ای است اجتماعی و تعریف آن به همان اندازه مشکل است که تعریف یک شخص متقی و پاکدامن. زیرا پیدا کردن صفات روانی که معرف شخصیت مجرمانه باشد از نظر اینکه این صفات و خصلت ها درجات شدت و ضعف دارند غیر ممکن است و کشف تعامل کلیه ی صفات در تشکل و ارکان شخصیت مجرمانه بسیار قابل بحث است و در نتیجه وجود شخصیت مجرمانه به علت ناستواری و سستی نتایج و اشتراکات روانی در مورد بزه کاران مختلف منتفی است.

آنچه بین بزه کاران و شخصیت های جنایی تا حدودی مشخص و محقق است به شرح زیر است:

- ۱) خوی ماجراجویی
  - ۲) استقبال از خطر
  - ۳) بی پروایی در تصمیم گیری های مجرمانه
  - ۴) دارای روح تهاجم و پرخاش گری و قدرت نمایی
  - ۵) گستاخی و آزار و اذیت به دیگران
  - ۶) میل به انهدام و تخریب و ایجاد ضرر و زیان
- معذک استادان جرم شناس پیناتل و پیر بوزا در جلد سوم کتاب خود (رساله ی حقوق کیفری و جرم شناسی) <sup>(۱۲)</sup> شخصیت مجرمانه را چنین تعریف کرده اند: «وضع حال مشترک کسانی است که آن ها را در مقام قبول یا جستجوی اوضاعی قرار می دهد که خارج یا مخالف با هنجارهای مورد قبول گروه آن ها است.

### بخش دوم: تعریف شخصیت سالم:

داشتن انرژی متعادل و شور زندگی و ستایش گری از طبیعت و شیفته ی مناظر زیبای طبیعی و صحنه های حرکتی حیوانات و گیاهان از ویژگی های شخصیت سالم است. الگوی شخصیت سالم در جستجوی حقیقت است و از شکست نمی هراسد و قادر است احساسات مخرب را دفع کند و بر هیجانات سازنده سرعت بخشد.

شخصیت سالم هر کاری را با شیوه ماهرانه و خاص خود انجام می دهد و خلاقیت و ابتکار را با آن می آمیزد. در شخصیت سالم گاهی صحبت از هم آهنگی کامل با اجتماع در میان می آید ولی منظور این نیست که همه ی افراد دارای یک نمونه یا حتی نمونه های مشابهی از شخصیت باشند تا آن را دارای شخصیت سالم و استوار و هم آهنگ با اجتماع و اشخاص سازگار بشناسیم؛ زیرا شخصیت های سالم به طور گوناگون دیده می شوند و در هیچ وضعی نیستند که علائق و سلیقه های کاملاً مشابهی داشته باشند و به علاوه شخصیت سالم آن شخصیتی نیست که در آن هیچ نوع محرومیت یا اضطراب وجود نداشته باشد. چه زندگی بدون مشکلات و موانع و ناراحتی ها وجود ندارد و مراد از

شخصیت سالم شخصیتی است که بتواند با این قبیل مشکلات مواجه شده و به پیدا کردن راه حل بپردازد و از این معرکه پیروز درآید.<sup>(۱۳)</sup>

**فصل دوم: خصوصیات شخصیت مجرمانه و چگونگی شناخت آنها.**

### **بخش اول: خصوصیات شخصیت مجرمانه**

در شخصیت بزه کار عیوبی است که در زمان ارتکاب جرم از نظر اخلاقی و روانی وجود دارد و در مبارزه با وسوسه ها و کف نفس ها اراده مجرمانه را تقویت می کند و اهم عیوب مذکور به شرح زیر است:

(۱) وسوسه ها و کشش های مجرمانه و تجاوز کارانه که امثال مرتکبین جرح و ضرب و چاقو کش ها درک می کنند.

(۲) عدم تملک نفسی ناشی از ضعف احساسات اخلاقی و قضایی.

(۳) عدم تملک نفس ناشی از امید و نجات و خلاصی از مجازات پس از ارتکاب جرم.

(۴) فلج کنترل شخصیت.

همچنین ملاک های دیگری برای تشخیص اختلال های شخصیت مطرح است. یعنی باید این خصوصیت ها وجود داشته باشند تا بتوان اختلال شخصیت را از نظر جامعه شناسی در مورد افراد تشخیص داد:

الف) الگوی نافذ بی اعتنایی و زیر پا گذاشتن حقوق دیگران که از سن ۱۵ سالگی شروع می شود و با سه (یا بیشتر) از خصوصیات زیر تظاهر می کند:

(۱) ناتوانی برای سازگاری با موازین اجتماعی درباره ی رفتار قانونی که با دست زدن به اعمال تکراری زمینه را برای دستگیری فراهم می کند.

(۲) فریبکاری، دروغگویی و استفاده از نام های غیر واقعی.

(۳) رفتار تکانشی و ناتوانی برای طرح ریزی مقدماتی.

(۴) تحریک پذیر، پرخاشگر، میل به نزاع و ضرب و جرح.

(۵) بی احتیاطی نسبت به حفظ امنیت خود و دیگران.

(۶) فقدان احساس گناه و پشیمانی و دلیل تراشی نسبت به آزار و بد رفتاری.

ب) سن افراد از ۱۸ سال به بالا است.

ج) قراین و شواهد حاکی از آن است که احتمال شروع اختلال مشکوک قبل از ۱۵ سالگی وجود دارد.

د) وقوع رفتار ضد اجتماعی منحصراً همراه اسکیزوفرنی یا دوره مانیک است.<sup>(۱۴)</sup>

### **بخش دوم: چگونگی شناخت شخصیت مجرمانه**

شخصیت مجرمانه در محیط های مختلف که فرد با آن مواجه است شکل می گیرد که در شناخت آن می توان از نظریه ی نشانه ها و مقتضیات و طبقه بندی و مواد دیگر که در ادامه نوشته می شود، استفاده کرد.

#### **الف) نظریه ی نشانه ها:**

این نظریه ها جرم را از نظر حالت نشانه ای آن، توجیه می کنند. طبق نظراتی که علمای روان کاوی مطرح می کنند فعل انسان ارزشی سمبولیک دارد، یعنی نشانه ای است از شخصیت فرد. توجه به شخصیت بزه کار، اهمیت دادن به عوامل قبل، هم زمان و پس از تولد است که پایه ی زندگی روانی را در آینده می ریزد. توجه به دوران کودکی به خصوص از نظر علمای روان کاوی از این جهت روشن می گردد. در سال های کودکی است که طفل در اختیار غرایزی

که تابع اصل لذت هستند قرار می گیرد ولی کم کم به اصل حقیقت نزدیک می شود و سعی می کند خود را با آن تطبیق دهد.

### ب) نظریه ی مقتضیات

که در کنار نظریه ی نشانه ها قرار می گیرد ولی غیر مستقیم با بزه کار در ارتباط است. تحولات فیزیولوژیکی در انسان نشان دهنده ی آن است که دورانی از زندگی، لحظه های بحرانی بلوغ نام دارد. باید توجه کافی به این مسأله از نظر پیش رس بودن و یا تأخیر بلوغ مبذول گردد. نقش مجنی علیه در ارتکاب جرایم نیز در این عوامل موثر است. تحریک مباشر جرم توسط کسی که جرم بر او وارد شده است باید مورد دقت قرار گیرد. همچنین انگیزه هایی که فرد را به ارتکاب بزه می کشانند و نیز بررسی لحظه ی وقوع جرم، همچنین باید خلق و خوی فاعل، حالت خستگی یا کوفتگی او، درجه ی تأثیر مواد مخدر و الکل در بدن و تأثیر اطرافیان، چه مستقیم و چه غیر مستقیم را بررسی کرد.

### ج) طبقه بندی بزه کاران:

۱) طبقه بندی کرچمر: او در طبقه بندی خود از چهار نمونه (سه نمونه ی اصلی و یک نمونه ی مختلط یاد می کند): که به ترتیب عبارتند از نمونه های افراد استخوانی یا لاغر اندام، فربه تنان، سخت پیکران و یا عضلانی ها و نمونه ممزوج که به ترتیب اصطلاحات لپتومورف، پیکومورف، آلتومورف، که برای هر یک از این نمونه ها مشخصاتی عنوان کرده که هر یک از این نمونه ها اگر مرتکب جرم شوند جرایم خاصی را انجام خواهند داد.

۲) طبقه بندی شلدون: او مبنای طبقه بندی خود رانسوج جنین و لایه های مختلف آن و رشد بعدی این نسوج قرار می دهد و معتقد است که نسوج جنین از سه لایه تشکیل می شود: لایه ی درونی، لایه ی میانی و لایه ی خارجی، رشد بعدی این لایه ها سه طبقه افراد ایجاد می کنند:

آندومورف ها، مزومورف ها، آکتومورف ها<sup>(۱۵)</sup>

همچنین مطالعه ی دکتر ف. پترسون<sup>(۱۶)</sup> در زمینه ی مغز و نارسایی های مغزی بر روان و از آن جمله بر رفتار مجرمانه، این اجازه را به او داده است که از روان شناسی زیستی- جسمی، و یا از جرم شناسی که با شناخت داده های مغز به اعمال روانی رفتار بزه کار توجه دارد صحبت کرد.

تحقیقات دکتر هیل در امریکا حاکی است که یک بزه کار طبیعی دارای یک منحنی مغز طبیعی است. همچنین با مطالعه ی ۱۴ زندانی معلوم شده است که ۳۷٪ ایشان از نظر منحنی طبیعی نبوده اند. علاوه بر آن مرکز تحقیقات و کرسون در فرانسه با مطالعه ۵۰۰ جوان بزه کار فقط ۸٪ منحنی غیر طبیعی ضبط کرده است و تحقیقات دیگری در امریکا توسط متخصصان روی ۴۵۲ بزه کار و ۴۳۲ غیر بزه کار انجام شده که علائم غیر طبیعی از نظر نارسایی های مغزی نشان می دهد. فرضیه ی عدم تفکر مجرم به لحاظ بیماری در معنای خاص کلمه منتفی است هر چند برخی از جرم شناسان به این مطلب اعتقاد دارند. اما نفی این موضوع نفی عدم تفکر بزه کار نیست؛ چرا که در مورد مجرم ما در مقابل شخصیتی قرار گرفته ایم که اگر چه بیمار در معنای خاص آن نیست اما رفتاری به احتمال زیاد بیمار گونه دارد. بدین معنی که نسبت به خویش و محیطی که در آن زندگی می کند رفتاری منحرف از معیارهای شناخته شده ای دارد که غالباً حالات طبیعی را توجیه می کنند و این حالات قبول شده را مقیاس رفتارهای طبیعی اجتماعی می شناسد این انحرافات به دو شکل ممکن است ظاهر شود:

۱) انحراف از معیارهای طبیعی فردی.

۲) انحراف از معیارهای طبیعی اجتماعی.<sup>(۱۷)</sup>

### فصل سوم: کاربرد شخصیت مجرمانه در قلمرو حقوق کیفری

مواد مختلفی در مقررات کیفری ما وجود دارد که هر یک از آن‌ها به نوعی به این شناخت ربط پیدا می‌کند. بندهای ۳ و ۵ ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی - بند ب ماده (۲۵) ق.م.ا - ماده (۳۸) ق.م.ا - ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ - ماده (۱) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹.

لازم است در هر محاکمه کیفری علاوه بر پرونده کیفری که نشان دهنده ی عمل مجرمانه و دلایل جرم و مواد استنادی است باید، پرونده دیگری نیز به نام پرونده ی شخصیت تنظیم گردد تا قاضی رسیدگی کننده با مراجعه به هر دو پرونده تصمیم مقتضی را اتخاذ و رأی متناسبی باموضوع صادر نماید. برای تشکیل پرونده ی شناسایی شخصیت بزه کاران، متخصصان جرم شناسی و کیفر شناسی، مددکار اجتماعی، روان شناس، روان پزشک و مراجعین همکاری می کنند و نتیجه را کتباً ضمیمه ی پرونده ی شناسایی شخصیت می نماید. بدین طریق دادرس چه از نظر ماهیت و چه از نظر مدت، مناسب ترین واکنش اجتماعی را که در قانون جزایی پیش بینی شده است، نسبت به وی اعمال می نماید.

معمولاً نکات مهمی که بایستی در پرونده شناسایی شخصیت آورده شود عبارتند از: ۱) ساختمان بدنی و جسمی و زیست شناسی متهم ۲) نتیجه معاینه ی وی از نظر روحی و روانی و انحرافات ۳) وضع اخلاقی و خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و چگونگی تعلیم و تربیت متهم برای نیل به این نکات باید اقدامات زیر انجام گیرد:

الف) پر نمودن ورقه ی تحقیق و پژوهش که اولین سند شناسایی شخصیت فرد مورد آزمون است به وسیله مددکاران اجتماعی که بایستی در ایفاء وظایف خود دارای تخصص باشند و از دانش های روانشناسی رفتار و جرم شناسی و جامعه شناسی اطلاعات کافی داشته باشند ب) پزشکان متخصص آزمون شونده را از نظر بررسی وضع سلامتی و ابتلاء به بیماری های گوناگون از جمله آمیزشی و همچنین اعتیاد والدین به مواد مخدر و الکل و تمایلات جنسی و غدد مترشحه داخلی که در رشد موثرند، مورد بررسی قرار می دهند.

ج) روان پزشک، متهم را از جهت ضایعات عضوی در اعصاب و مغز و ثبت امواج الکتریکی سلول های عصبی مغز، مورد آزمایش قرار می دهد.

د) آزمایش های روان شناسی و روان کاوی که توسط متخصصین به عمل می آید.

ز) از نظر ضریب هوش و قدرت سازگاری با محیط که یک امر ذهنی است و در اثر عوامل زیست محیطی به طور تام بایستی مختل شود.

### قسمت سوم: روش های درمان شخصیت های مجرمانه

یکی از روش ها، کاربرد علم پدیدار شناسی است که دکتر «اسنارد»<sup>(۱۸)</sup> پزشک و جرم شناسی فرانسوی آن را ابداع نموده است. او معتقد است اگر در سیستم غدد یا عصبی مجرمی اختلالاتی جدی وجود داشته باشد می توان او را بیمار دانست و چنین شخصی نمی تواند بزه کار حقیقی باشد چرا که این عیوب یا اختلالات می توانند سیستم عصبی را فلج کنند و یا در ترشح غدد اشکال یا اشکالاتی ایجاد نمایند، به همان شکل که برای فردی عادی این مطلب متصور است، برای مجرم هم که در حقیقت فردی عادی است با شاخص مجرمانه این تصور وجود دارد. چه تفاوتی است بین دو بیمار که یکی بزه کار است و دیگری نه؟

در واقع پدیدار شناسی مانند روان کاوی بهره برداری از فعالیت ناخود آگاه ذهنی را مورد توجه قرار می دهد. هدف پدیدار شناسی نفوذ در ذهنیت آدمی است. در این نفوذ با مفاهیمی از قبیل دیگری، رابطه و ارتباط بین انسان ها صحبت می کنیم. بدین ترتیب از راه پدیدار شناسی می توان به رابطه ها و به خصوص ذهنیات نزدیک شد و مجرم را

در مرکز این رابطه ها قرار داد و او را شناخت. در این شناسایی از طرفی به مفهوم ارزش نزدیک خواهیم شد و از سوی دیگر به رابطه محاوره ای که بین مجرم و زیان دیده از جرم ایجاد می شود، پی خواهیم برد تا به درمان آن ها امیدوار بود.<sup>(۱۸)</sup>

علم روان کاوی نیز که مشتمل بر سازمان و تکوین شخصیت و عمل آن است و نیز روش های روان درمانی و تحقیق رفتار و شخصیت، می تواند به ما کمک کند. هدف روان کاوی بیرون کشیدن محتویات مزاحم یا ناخودآگاه و آشکار ساختن عقده ها و تعارض های روانی است که بیمار روانی دائماً از آن رنج می برد. ایجاد موسسات روانی که بعدها به صورت مراکز بهداشت روانی درآمد و امروز بیمارستان های روان پزشکی نامیده می شوند نیز می تواند کمک مؤثری نماید چون بهداشت روانی عملی است که فرد را با تجهیز کردن به روش های روانی و عاطفی در سازگاری با موقعیت های گوناگون یاری می کند و او را برای جستن راه کارهای مناسب در برابر مشکلات توانا می سازد.<sup>(۲۰)</sup>

درمان هایی مثل بستری شدن که غالباً تابع روان درمانی می شوند. گروه خودیاری، بیشتر از زندان و بیمارستان روانی برای آنان مفید است. قبل از شروع درمان، ایجاد محدودیت های صریح اهمیت دارد. درمان دارویی در مدارا با علائم ناتوان کننده نظیر اضطراب، خشم یا افسردگی، مورد استفاده قرار می گیرد.<sup>(۲۱)</sup>

بررسی پزشکی نیز در این زمینه مهم است. یعنی در آزمایش پزشکی، رشد جسمی، آثار عقب ماندگی ذهنی، ابتلاء به بیماری های مختلف واگیردار مورد بررسی قرار می گیرد.

درمان هایی نیز به طرق مختلف با یاری گرفتن از علوم روانشناسی - روان پزشکی - زیست شناسی در محل ها و یا محیط های مختلف و یا یک موسسه یا سازمان مخصوص وجود دارد که مثلاً در محیط آزاد و باز یا بسته یا نیمه آزاد می توان به درمان آن ها پرداخت. علاوه بر آن ها ایجاد درمانگاه های جرم شناسی، آزمایشگاهی، انسان شناسی زندان ها و مراکز راهنمایی و مشاهده نقش به سزایی خواهند داشت.<sup>(۲۲)</sup>

بالاخره شناخت قابلیت ذهنی بزه کار برای گسترش تفکر او نسبت به مسائلی که با آن مواجه می شود، در کشف راه هایی که بتواند سدی بر انحراف های او نسبت به معیارهای طبیعی فردی و اجتماعی باشد، ضروریست.<sup>(۲۳)</sup>

### نتیجه گیری:

دنیای کنونی بیشترین سرمایه گذاری را بر روی پیش گیری از وقوع جرم نهاده است؛ ولی اگر جرمی اتفاق افتاد، در اینجا ما وارد مرحله ی اتهام و مجرمیت شده ایم. در این مرحله نیز لازم است بیشترین توجه ما روی درمان باشد و با تمام امکانات از دانش های دیگر سود ببریم. بهر حال در این مرحله درمان شاید نقش کم رنگی در بازسازی افراد داشته باشد اما موثر است. هر چه جلو می رویم روش های درمان پیشرفته تری ابداع می شود و ما نیز بایستی همگام با دانش روز از این روش ها در سیستم های قضایی خود استفاده کنیم.

## پی نوشت ها:

- ۱) نجفی علی حسین ، هاشم بیگی حمید ، دانشنامه جرم شناسی ، ص ۴۳
- ۲) نوریها رضا ، زمینه ی جرم شناسی ، ص ۷۵
- ۳) مهران ناصر ، جزوه ی کارشناسی ارشد حقوق جزا، ص ۱۰
- ۴) نجفی علی حسین ، هاشم بیگی حمید ، دانشنامه ی جرم شناسی، ص ۴۵
- ۵) نجفی علی حسین ، هاشم بیگی حمید ، دانشنامه ی جرم شناسی ، ص ۴۴
- ۶) GORoN.W
- ۷) پارسا محمد ، روانشناسی عمومی، ص ۵۰
- ۸) طریقتی شکرالله ، روان پزشکی، ص ۵۸
- ۹) نوریها رضا ، زمینه ی جرم شناسی ، ص ۱۹۲
- ۱۰) نجفی علی حسین ، هاشم بیگی حمید ، دانشنامه ی جرم شناسی، ص ۸۵
- ۱۱) نوریها رضا ، زمینه ی جرم شناسی، ص ۱۹۳
- ۱۲) Trite.De.Droit.Penal.Criminologie  
Par.pierre.BOUZAT.ET.Jeane.Pinatel.
- ۱۳) مهران ناصر ، جزوه ی کارشناسی ارشد حقوق جزا، ص ۳۱.
- ۱۴) جدیری دلال زاده بابک ، مقاله ی شخصیت های ضد اجتماعی، روزنامه ی اطلاعات. سال ۸۱
- ۱۵) نوریها رضا ، زمینه ی جرم شناسی، ص ۱۹۹
- ۱۶) F-Pethersohn
- ۱۷) نوریها رضا ، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، ص ۱۷۱
- ۱۸) A.Hesnard.
- ۱۹) نوریها رضا ، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، ص ۱۸۰
- ۲۰) شالچی بهزاد ، مقاله ی بهداشت روانی روزنامه ی اطلاعات ، چهارشنبه ۱۷ ، بهمن ۱۳۸۰
- ۲۱) همان منبع
- ۲۲) مهران ناصر ، جزوه کارشناسی ارشد حقوق جزا، ص ۳۵
- ۲۳) نوریها رضا ، نگاهی به قانون مجازات اسلامی ، ص ۱۷۷

## منابع :

- ۱) پارسا، دکتر محمد، روانشناسی عمومی، نشر امیرکبیر
- ۲) شالچی، بهزاد، روزنامه اطلاعات ( مقاله بهداشت روانی ) چهارشنبه ۱۷ بهمن ماه ۱۳۸۰
- ۳) جدیری، بابک، روزنامه اطلاعات ( مقاله ی شخصیت های ضد اجتماعی ) سال ۱۳۸۱.
- ۴) طریقتی ، دکتر شکرالله، روانشناسی پزشکی.

- (۵) قاسمی، ناصر، اقدامات تأمینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران نشر میزان ۱۳۷۴.
- (۶) مهران، دکتر ناصر، جزوه جرم شناسی کارشناسی ارشد حقوق جزا واحد نراق، ۱۳۷۷.
- (۷) نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین و هاشم بیگی، حمید، دانشنامه‌ی جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۷۷.
- (۸) نوریها، دکتر ضا، زمینه‌ی جرم شناسی، انتشارات گنج و دانش، ۱۳۷۷.
- (۹) نگاهی به قانون مجازات اسلامی، نشر میزان ۱۳۷۷.
- (۱۰) قانون مجازات اسلامی
- (۱۱) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۳۳۹.
- (۱۲) قانون آیین دادرسی در امور کیفری ۱۳۷۸.